

توضیحات:

- ویژه کنکور دانشگاه فرهنگیان
- خلاصه + نکات مهم
- درس ۱۶ تا ۱۸
- با قابلیت پرینت

جزوه خلاصه و نکات مهم کتاب

دین و زندگی یازدهم کد ۱۱۱۲۰۵

ویژه رشته علوم انسانی

(فقط درس شانزدهم تا هجدهم)

برای دانلود رایگان جدیدترین سوالات کنکور دانشگاه فرهنگیان ، اینجا بزنید

همچنین جهت مشاهده آخرین اخبار کنکور فرهنگیان، اینجا بزنید

« انتشار یا استفاده غیر تجاری از این فایل، بدون حذف لوگوی ایران عرضه، مجاز می باشد »



❖ فصل اول: خلاصه دین و زندگی یازدهم ویژه رشته علوم انسانی تالیف ایران عرضه - صفحه ۲

❖ فصل دوم: نکات مهم دین و زندگی یازدهم ویژه رشته علوم انسانی تالیف ایران عرضه - صفحه ۸

فصل اول: خلاصه دین و زندگی یازدهم ویژه رشته علوم انسانی تالیف ایران عرضه

عزت نفس

یکی از مهم ترین قدم ها در مسیر کمال، تقویت عزت نفس است. عزت از صفاتی است که قرآن کریم بیش از ۹۵ بار خداوند را بدان توصیف کرده است. معصومین بزرگوار این صفت را از ارکان فضایل اخلاقی دانسته اند که اگر در وجود ما شکل بگیرد، مانع بسیاری از زشتی ها خواهد شد.

عزت و ذلت

عزت به معنای «نفوذناپذیری» و «تسلیم نبودن» است. وقتی می گویند خداوند عزیز است، معنایش این است که کسی نمی تواند در اراده او نفوذ نماید و او را تسلیم خود کند. واژه ذلت درست مقابل «عزت قرار دارد و به معنای نفوذ پذیری و مغلوب و تسلیم بودن است. بنابر تعاریف فوق، «انسان عزیز» کسی است که در برابر مستکبران و ظالمان و همچنین در مقابل هوی و هوس خویش می ایستد، مقاومت می کند و تسلیم نمی شود. او زیر بار عملی که روحش را آزرده کند و او را حقیر و کوچک سازد، نمی رود. بنابر تعاریف فوق، «انسان عزیز» کسی است که در برابر مستکبران و ظالمان و همچنین در مقابل هوی و هوس خویش می ایستد، مقاومت می کند و تسلیم نمی شود. او زیر بار عملی که روحش را آزرده کند و او را حقیر و کوچک سازد، نمی رود. «انسان ذلیل» نیز کسی است که در برابر مستکبران و زورگویان تن به خواری می دهد و هر فرمانی را می پذیرد؛ همچنین تسلیم هوی و هوس خویش می شود و هر کاری را که موافق هوی و هوس او باشد انجام می دهد، هر چند که آن کار روحش را به گناه آلوده کند.

آیاتی در باب راه های دستیابی به عزت

۱- مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا...^۲

هر کس عزت می خواهد [بداند] که هر چه عزت است، از آن خداست.

۲- لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ^۳

برای کسانی که نیکوکاری پیشه کردند، پاداشی نیک و چیزی افزون تر است و بر چهره آنان غبار خواری و ذلت نمی نشیند.

راه های تقویت عزت

قرآن کریم و سیره معصومین راه های زیر را برای تقویت عزت نفس بیان می کنند:

۱- شناخت ارزش خود و نفروختن خویش به بهای اندک

خداوند جایگاه ما انسان ها را در خلقت بیان می کند و می فرماید: ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم... و بر بسیاری از مخلوقات برتری دادیم.

و خطاب به انسان فرموده:

"ای فرزند آدم، این مخلوقات را برای تو آفریدم و تو را برای خودم".

امام علی (ع) می فرماید:

"همانا بهایی برای جان شما جز بهشت نیست پس به کمتر از آن نفروشید"

إِنَّهُ لَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَتَّبِعُوهَا إِلَّا بِهَا

۲- توجه به عظمت خداوند و تلاش برای بندگی او

امیرالمؤمنین علی در وصف انسان هایی که عزت خود را در بندگی خدا یافته اند، می فرماید:

«خالق جهان در نظر آنان بزرگ است. از این جهت، غیر خدا در نظرشان کوچک است.»

وقتی که انسان به چنین شناخت و ایمانی رسید، به طور طبیعی تسلیم خدا می شود، بندگی او را می پذیرد و در مقابل غیرخدا عزیز و تسلیم ناپذیر باقی می ماند.

اسوه های عزت در برابر ستمگران

پیشوایان ما با تکیه بر بندگی خداوند و پیوند با او توانستند در سخت ترین شرایط، عزت مندانه زندگی کنند و هیچ گاه تن به ذلت و خواری ندهند.

برای مثال، پیامبر اکرم هنگامی که در محاصره طاق فرسای مشرکان مکه بود و جز حضرت ابوطالب و حضرت خدیجه و یارانی اندک و فقیر، پشتوانه ای نداشت، به بزرگان مکه که به او وعده ثروت و قدرت و ریاست بر این شهر را می دادند، فرمود: «اگر اینان خورشید را در دست راستم و ماه را در دست چپم بگذارند، از راه حق دست برنمی دارم و تسلیم نمی شوم»

نوه گرامی وی امام حسین می فرماید:

«مرگ با عزت از زندگی با ذلت، برتر است»

حضرت زینب، خواهر شجاع امام نیز پس از تحمل انبوه مصائب و سختی، که یکی از آنها میتواند انسان را درهم شکنند، در پاسخ به جمله حقیرآمیز عبیدالله بن زیاد، حاکم کوفه که گفت:

دیدی خدا چه بر سر خاندان شما آورد؟ با قدرت فرمود: [در این واقعه] جز زیبایی ندیدم.

تمرین ایستادگی در برابر تمایلات پست

هر انسانی، در درون خود، گاه و بی گاه با تمایلات و خواسته هایی روبه رو می شود، که پاسخ مثبت دادن به آنها، عزت نفس را ضعیف می کند و انسان را به سوی خواری و ذلت سوق می دهد. حال اگر این پاسخگویی ادامه یابد، خواری و ذلت انسان را احاطه می کند، به طوری که در برابر هر خواست نامشروع درونی و بیرونی مقاومت نمی کند و به سرعت تسلیم می شود.



نوجوانی و جوانی بهترین زمان برای پاسخ منفی دادن به این تمایلات گاه و بی گاه است. انسانی که در این دوره سنی به سر می برد، هنوز به گناه عادت نکرده و خواسته های نامشروع در وجود او ریشه دار نشده است و به تعبیر پیامبر اکرم، چنین کسی به آسمان نزدیک تر است. یعنی گرایش به خوبیها در او قویتر است. بنابراین نوجوان و جوان، بهتر از هر آدمی میتواند ایستادگی در برابر تمایلات منفی را تمرین کند و عزت نفس خود را تقویت کند.

خود عالی و خود دانی

ممکن است بپرسید ریشه این سؤال مناسبی است که پاسخ آن می تواند راه گشای ما برای رسیدن به عزت و دوری از ذلت باشد. حقیقت این است که انسان دارای دو دسته از تمایلات است:

اول:

تمایلات عالی و برتر، مانند تمایل به دانایی، عدالت، شجاعت، حیا، ایثار و حسن خلق که مربوط به روح الهی و معنوی انسان هستند. ما با رسیدن به این تمایلات احساس موفقیت و کمال می کنیم و از آنها لذت می بریم.

دوم:

تمایلات دانی، مانند تمایل به ثروت، شهرت، غذاهای لذیذ، زیورآلات و رفاه مادی، که مربوط به بعد حیوانی و دنیایی انسان است و وقتی به این تمایلات دست می یابیم، از آنها لذت می بریم و خوشحال می شویم. انسان ها به طور طبیعی به این قبیل امور میل دارند و علاقه نشان می دهند، زیرا اینها لازمه زندگی در دنیا هستند و بدون آنها یا نمی توان زندگی کرد یا زندگی سخت و مشکل می شود.

تمایلات بعد حیوانی در ذات خود بد نیستند، اما نسبت به بعد معنوی و الهی، بسیار ناچیز و پایین ترند و قابل مقایسه با آن تمایلات نیستند.

پس چه موقع این تمایلات بد می شوند؟

آنگاه که انسان، این تمایلات را اصل و اساس زندگی قرار دهد و فقط در فکر رسیدن به آنها باشد و از تمایلات الهی خود غافل بماند. حد و مرز توجه به این تمایلات را خدا میداند و خداوند با احکام خود چگونگی بهره مندی از این تمایلات را مشخص کرده تا انسان بتواند در عین بهره مندی از آنها، به رشد و کمال واقعی خود برسد. از این رو هر انسانی در درون خود با دو دعوت روبه روست: دعوت عقل و وجدان یا همان نفس لوامه که از ما می خواهد در حد نیاز به تمایلات فروتر پاسخ دهیم و فرصتی فراهم کنیم که تمایلات معنوی و الهی در ما پرورش پیدا کند و آن زیبایی ها وجودمان را فرا بگیرند.

دعوت دیگر، دعوت هوی و هوس یا همان «نفس اماره» است که از ما می خواهد فقط به تمایلات بعد حیوانی سرگرم و مشغول باشیم و از تمایلات عالی و برتر غافل بمانیم. انسانی که به هوی و هوس پاسخ مثبت میدهد و تسلیم می شود، قدم در مسیر ذلت گذاشته و از راه رشد باز میماند. پس از این مرحله است که وقتی در برابر ستمگران و قدرتمندان قرار گرفت، زیر بار ذلت می رود و تسلیم خواسته های آنها هم میشود. بنابراین، کسی که در مقابل دیگران تن به ذلت می دهد، ابتدا در مقابل تمایلات پست درون خود شکست خورده و تسلیم شده و سپس مغلوب زورگویان و قدرتمندان گردیده و تسلیم خواسته های آنان شده است.

درس ۱۷م

زمینه های پیوند

خانواده مقدس ترین بنای اجتماعی نزد خداست. این بنا با پیوند زن و مرد به وجود می آید و با آمدن فرزندان کامل میشود. با تولد فرزندان، زن و مرد، مادر و پدر بودن را تجربه میکنند و فرزندان را در دامن خود می پروراند.

آیاتی درباب همسرگزینی در قرآن و تشکیل خانواده:

۱- وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

و از نشانه های خدا آن است که همسرانی از {نوع} خودتان برای شما آفرید تا با آنها آرامش یابید و میان شما "دوستی" و "رحمت" قرارداد. همانا در این مورد، نشانه هایی است برای کسانی که تفکر میکنند.

۲- وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَلَيْسَ بِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ

و خداوند برای شما همسرانی از {نوع} خودتان قرار داد و از همسرانتان برای شما فرزندان و نوادگانی نهاد و از پاکیزه ها به شما رزق و روزی داد. حال، آیا آنان به باطل ایمان می آورند و به نعمت الهی کفران می ورزند؟

شخصیت انسانی زن و مرد

کلمات انس، انسان، بنی آدم و ناس در قرآن کریم اختصاص به جنس خاصی ندارد و هر آیه ای که با این کلمات همراه باشد، به زن و مرد، هر دو مربوط می شود؛ زیرا حقیقت انسان را روح او تشکیل می دهد و روح انسان نه مذکر است و نه مؤنث. زنان و مردان به عنوان افراد نوع بشر، استعدادها و ویژگی های فطری یکسان و هدف مشترکی دارند که با بهره گرفتن از آن ویژگی های فطری می توانند به آن هدف مشترک، یعنی قرب الهی و بهشت جاوید برسند.

جایگاه زن در قرآن و مقایسه آن با تورات و انجیل

قرآن کریم، در تقابل با فرهنگ رایج آن زمان، به زن شخصیت انسانی بخشید و معیار کرامت را نه براساس جنسیت بلکه براساس فضایل انسانی و ایمان و تقوا قرار داد.

در دوره ای که قرآن کریم بر پیامبر اکرم نازل شد، بیشتر مردم، مرد را در خلقت برتر از زن می شمردند این موضوع، در داستان خلقت آدم و حوا و زندگی آنها در بهشت اولیه و بیرون شدنشان از آنجا نمود بیشتری داشت.

بر اساس آموزه های کتاب مقدس (تورات و انجیل) مسیحیان معتقدند زن منبع هر شر و فساد در عالم است. زن ستیزی و شر انگاری وی، در تمام دورانی که کلیسا بر غرب سیطره داشت از طرف کشیشان کلیسا ترویج می شد. اما قرآن کریم، در همان عصری که غرب بدترین خشونت ها و تحقیرها را علیه زن روا می داشت، در جامعه جاهلی نازل شد.

بر اساس آموزه های کتاب مقدس (تورات و انجیل) مسیحیان معتقدند زن منبع هر شر و فساد در عالم است. زن ستیزی و شر انگاری وی، در تمام دورانی که کلیسا بر غرب سیطره داشت از طرف کشیشان کلیسا ترویج می شد.

قرآن کریم در همان عصری که غرب بدترین خشونت ها و تحقیرها را علیه زن روا میداشت، جاهلی نازل شد. جامعه ای که برخی از آنان داشتن دختر را ننگ میدانستند و رفتاری خشن و قهرآمیز با زنان و دختران داشتند. اما قرآن کریم، در تقابل با فرهنگ رایج آن زمان، به زن شخصیت انسانی بخشید و معیار کرامت را نه براساس جنسیت بلکه براساس فضایل انسانی و ایمان و تقوا قرار داد. قرآن کریم، در بیان داستان خلقت، مرد را برتر از زن قرار نمی دهد. خداوند انسانها را از یک مرد و یک زن آفریده و هیچکدام در پیشگاه خدا بر دیگری برتری ندارند، مگر به تقوا.

نقش های مکمل

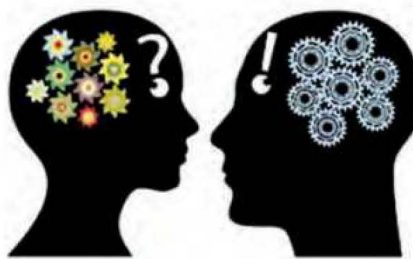
تفاوت های میان زن و مرد به جهت وظایف هریک از زن و مختلفی است که خالق حکیم برعهده شوهر نهاده است تا هرکدام از آنها بتوانند در زندگی مشترک و خانوادگی نقش های خاصی را بر عهده بگیرند و یک خانواده متعادل را پدید آورند.

خداوند، زن و مرد را به گونه ای آفریده که زوج یکدیگر باشند، یعنی در کنارهم قرار گیرند و یکدیگر را کامل کنند. زن و مرد اگرچه در ویژگی های انسانی باهم مشترک هستند و خداوند برای هر دو هدف واحدی معین کرده است، اما از جهت «زن بودن» و «مرد بودن»، یعنی از نظر خصوصیات جسمی باهم متفاوت اند. این تفاوت ها به گونه ای است که هر دو را به هم نیازمند کرده است؛ بدون اینکه یکی بر دیگری برتری داشته باشد. زیرا برتری هرکس نزد خداوند به تقواست و هر انسانی می تواند آن را در وجود خود پرورش دهد.

تفاوت های میان زن و مرد به جهت وظایف مختلفی است که خالق حکیم بر عهده هریک از زن و شوهر نهاده است تا هرکدام از آنها بتوانند در زندگی مشترک و خانوادگی نقشهای خاصی را بر عهده بگیرند و یک خانواده متعادل را پدید آورند.

مهمترین عامل پایداری خانواده، درک درست از زوجیت و مکمل هم بودن زن و مرد و عمل به این درک است. اگر همسران از این موضوع غافل باشند، به سرعت در محیط خانه از هم بیگانه میشوند و با پیش آمدن کوچکترین تنش از هم جدا میشوند. اما اگر درک متقابل از نیازهای متفاوت یکدیگر داشته باشند، با آرامش در کنار یکدیگر زندگی میکنند و به تعبیر قرآن کریم، لباس یکدیگر میشوند و کاستی ها و نقصهای یکدیگر را میپوشانند.

از این رو، هر جوانی باید قبل از ازدواج، با آموزش نزد معلمان و مربیان مورد اعتماد و کتابهای مناسب، به درک درستی از مطالعه ازدواج و زندگی خانوادگی برسد، تا بتواند یک خانواده موفق را تشکیل دهد. پس آموزش قبل از ازدواج، یکی از کلیدهای موفقیت در زندگی خانوادگی است.



امروزه، جامعه ما از سه دسته خانواده تشکیل شده است:

۱- خانواده های سنتی:

این خانواده ها که باورها و اعتقادات دینی خود را با برخی از آداب و سنت های محلی ترکیب کرده اند، از قدیم الایام وجود داشته اند. این خانواده ها، امتیازات و معایبی دارند. یکی از امتیازات آنها این است که با استفاده از تجربه های فراوان، به سنت هایی رسیده اند که می دانند چگونه با هم زندگی کنند و روزگار را بگذرانند. به همین جهت، نوعی آرامش روانی بر این خانواده ها حاکم است.

یکی از معایب آنها این است که گاه میان آموزه های اسلام و سنت ها خود فرق نمی گذارند و آن سنت ها را آموزه های دین تلقی میکنند و اگر کسی با آن آموزهها مخالفت کند، به حساب مخالفت با دین میگذارند.

۲- خانواده های مخالف سنت:

این قبیل خانواده ها که بیشتر تحت تأثیر فرهنگ غرب، با هر سنتی خلاف هستند، می کوشند با الگو گرفتن از آن فرهنگ، از سنت ها فاصله بگیرند. زندگی مدرن و جدیدی بسازند. این گروه از خانواده ها با دو مشکل اساسی روبه رو هستند:

اول: نمی توانند بین سنت های غلط جامعه خود با آموزه های اسلام تفکیک قائل شوند و به همین جهت، هر سنت قدیم را فقط به این دلیل که قدیمی است، رد میکنند و انکار می نمایند. در نتیجه اندک اندک از اسلام فاصله میگیرند و به گناه آلوده می شوند.

دوم: از سطح ظاهری زندگی خانوادگی در غرب که از طریق رسانه ها یا مسافرت ها بیان می شود، اطلاع دارند و از لایه های عمیق و بنیانی آن مانند متلاشی شدن خانواده، فردگرایی و سردی روابط اعضای خانواده با یکدیگر، عادت به طلاق، سپردن اطفال به نهادهای عمومی، گسترش روابط نامشروع، افزایش خانواده تک سرپرست، کمتر مطلع می شوند و اگر به برخی از این افراد عواقب زندگی خانوادگی در غرب گفته شود، در پاسخ میگویند که در برخی از این امور، مانند طلاق، جامعه ما هم دارد به همان سمت کشیده میشود و به این موضوع توجه نمی کنند که افزایش طلاق، بیشتر در همان گروه هایی است که با زندگی سنتی مخالفند و زندگی شبه غربی دارند و این افزایش محصول پیروی از زندگی غربی است. البته عواملی مانند فقر یا بیکاری هم از عوامل طلاقند که به این بحث مربوط نمی شود.

۳- خانواده متعادل و نمونه اسلامی:

اینگونه خانواده ها می کوشند راهنمایی های اسلام را از سنت های غلط جامعه جدا کنند و با کنار گذاشتن سنت های غلط، زندگی خانوادگی را با معیارهای اسلامی بنا کنند و در انتخاب همسر یا تربیت فرزند از آن معیارها کمک بگیرند و تا آنجا از سنت های جامعه استفاده کنند که مخالف اسلام نباشد. این قشر از جامعه، به دلیل یک حرکت عالمانه که همراه با مطالعه و فکر و اندیشه است، معمولاً خانواده های موفق تری دارند و آرامش خانوادگی آنان، خیلی بیشتر از خانواده های دسته دوم است و جدایی و طلاق، کمتر در این خانواده ها اتفاق می افتد.

آمادگی برای ازدواج

انسان با رسیدن به سن بلوغ برای سعادت خود و خانواده ای که تشکیل خواهد داد، برنامه ریزی نماید. مهم ترین این برنامه ها در مورد تشکیل خانواده عبارت اند از:

۱- تقویت عفاف و پاکدامنی در خود از آغاز بلوغ

۲- مشخص کردن هدف های خود از تشکیل خانواده

۳- شناخت معیار ها و شاخص های همسر مناسب

۴- شناخت ویژگی های روحی زن و مرد

تقویت عفاف و پاکدامنی

دوره بلوغ تا ازدواج یکی از حساس ترین و ارزشمندترین دورههای عمر انسان است و دوره گذر از کودکی و ورود به بزرگسالی و پذیرش مسئولیت های زندگی است. اگر نوجوان و جوان، این دوره را با پاکی و پاکدامنی بگذرانند و در حالی به زندگی مشترک با همسرش وارد شود که آلوده به گناه و فحشا نشده باشد، راه رسیدن به بهشت را برای خود و فرزندان بسیار هموار کرده است.

قرآن کریم از دختران و پسران می خواهد که قبل از ازدواج، حتما عفاف پیشه کنند تا خداوند به بهترین صورت زندگی آنان را سامان دهد.

همچنین می‌خواهد که به هیچ وجه در پی رابطه غیر شرعی چه پنهان و چه آشکار با جنس مخالف نباشند، که زیان آن تا قیامت دامن گیر آنان خواهد شد و در نسل‌های آنان تأثیر بدی خواهد گذاشت.

در این مسیر، پیشگیری، بهتر از درمان است. برای پیشگیری از گرفتاری به بیماری فساد و گناه باید کاری کنیم که در آستانه انجام گناه قرار نگیریم. در عصری که گسترشدهندگان فساد و فحشا از خرب دستاوردهای علمی برای رسیدن به مقاصد شوم خود بهره می‌برند، باید با زیرکی، شجاعت روحی و توکل بر خداوند، راه‌های نزدیکی به گناه را ببندیم و بینی شیطان را بر خاک بمالیم.

اقدامات زیر برای حفظ عفاف و پاکدامنی بسیار مؤثر است:

۱- کنترل نگاه و استقامت در برابر تحریک دیگران برای دیدن یک فیلم یا یک پیام نامناسب،

یا حضور در مجالس گناه آلود و توانایی «نه» گفتن به آنها؛

۲- انتخاب دوست دیندار و نمازخوان و معاشرت نکردن با افراد بی بند و بار؛

۳- استفاده از لباس مناسب با شأن و منزلت انسان مسلمان؛

۴- انجام درست و به موقع نماز، به خصوص به صورت جماعت و با حضور در مسجد و شرکت در جلسات مذهبی، مانند مجالس دعای کمیل و دعای ندبه، اعیاد و عزاداری‌ها و سخنرانی‌های پر محتوا؛

۵- مشغول بودن به کارهای ضروری، مانند درس خواندن، انجام کارهای منزل، پرداختن به کارهای فنی و هنری، همکاری در بسیج، کانونهای فرهنگی و بنیادهای خیریه؛

۶- رعایت جنبه‌های حلال و حرام در ارتباط با جنس مخالف سیره و رفتار پیامبر اکرم، حضرت فاطمه و امامان

۷- خواندن داستانهایی درباره بزرگوار و کسانی که پیرو آنان بوده‌اند، همچون شهدای دفاع مقدس؛

۸- توجه به نصیحت‌ها و خیرخواهی‌های پدر و مادر

توجه به اهداف ازدواج

شایسته است که به تدریج درباره هدف خود از ازدواج فکر کنیم و هوشمندانه وارد این مرحله از زندگی شویم. البته برای تشکیل خانواده در متون دینی اهدافی ذکر شده است که بعضی از آنها را در اینجا ذکر می‌کنیم. خوب است که ما نیز در بحث ازدواج همین هدف‌ها را در نظر بگیریم.

اول. پاسخ به نیاز جنسی:

ابتدایی‌ترین زمینه ازدواج، نیاز جنسی مرد و زن به یکدیگر است. این نیاز که احساس آن از دوران بلوغ آغاز می‌شود، اولین کشش و جاذبه را میان زن و مرد ایجاد می‌کند و آنان را به سوی تشکیل خانواده می‌کشاند.

دوم. انس با همسر:

هریک از زن و مرد، علاوه بر نیاز جنسی، نیازمند به زندگی با دیگری هستند و این نیاز نیز پس از بلوغ آشکار می‌شود. این نیاز به گونه‌ای است که اگر فردی از راه‌های

نامشروع نیاز جنسی خود را برطرف کند اما بدون همسر زندگی کند، باز هم یک بی‌قراری و ناآرامی او را آزار می‌دهد که فقط با بودن در کنار همسر برطرف می‌شود.

برخی از ازدواج‌های ناموفق هم، ریشه در همین موضوع دارند که زن یا مرد به این نیاز همسر خود توجهی ندارد و رفتاری آرامش‌بخش از خود نشان نمی‌دهد. تجربه‌های

روانشناختی گویای آن است که توانایی زن نسبت به مرد در ایجاد آرامش بیشتر است و مبدأ آرامش در خانواده، اوست.

سوم. رشد و پرورش فرزندان:

خانواده بستر رشد و بالندگی فرزندان است و هیچ نهادی نمیتواند جایگزین آن شود. فرزند، ثمره پیوند زن و مرد و تحکیم بخش وحدت روحی آنهاست. آنان دوام وجود خود را

در فرزند می‌بینند و از رشد و بالندگی او لذت می‌برند.

چهارم. رشد اخلاقی و معنوی:

انسان به رشد و تکامل اخلاقی نیاز دارد و خانواده، بستر مناسب آن است. پسر و دختر جوان با تشکیل خانواده، از همان ابتدا زمینه های فساد را از خود دور میکنند، مسئولیت پذیری را تجربه می نمایند، مهر و عشق به همسر و فرزندان را در خود پرورش میدهند، با گذشت و مدارا و تحمل سختیها و ناگواریهای زندگی، به درجات معنوی بالاتری نائل میشوند.

نکته مهم

برای اینکه یک ازدواج موفق داشته باشید که هم به جدایی منجر نشود و هم آرامش و خوشبختی را به دنبال داشته باشد، لازم است که در تشکیل خانواده به هر چهار هدف توجه کنید و هدف چهارم را در مرتبه برتر قرار دهید. به طور مثال، اگر فقط هدف اول را دنبال کنید و برای سه هدف دیگر تالش نکنید، پس از مدتی، اختلافات ظاهر می شوند و دوری روحی و روانی یا همان طلاق عاطفی زندگی را خسته کننده می کند. اما اگر به چهار هدف توجه داشته باشید، به زودی محیطی آرامش بخش و سرشار از نشاط و لذت پدید خواهد آمد و اعضای خانواده تا آخر عمر با احساس رضایت در کنار هم زندگی خواهند کرد.

چند نکته در مورد تربیت فرزند

۱- «بهترین روش تربیت فرزند، این است که در آغوش مادر و با استفاده از مهر و محبت او پرورش پیدا کند. یکی از وظایف مهم زن، عبارت از این است که فرزند را با عواطف، با تربیت صحیح، با دل دادن و رعایت دقت، آنچنان بار بیورد که این موجود انسانی، چه دختر چه پسر، وقتی که بزرگ شد، از لحاظ روحی، یک انسان سالم، بدون عقده، بدون گرفتاری، بدون احساس ذلت و بدون بدبختیها و فلاکت ها و بلایایی که امروز نسل های جوان و نوجوان غربی در اروپا و آمریکا به آن گرفتارند، بار آمده باشد. زنانی که فرزند خود را از چنین موهبت الهی محروم می کنند، اشتباه می کنند؛ هم به ضرر فرزندشان، هم به ضرر خودشان و هم به ضرر جامعه اقدام کرده اند. اسلام، این را اجازه نمی دهد».

۲- همانطور که پایداری بنیاد خانواده، سبب کم شدن فساد در جامعه می شود، ازدیاد فساد سالم نیز سبب سست شدن این بنیان می گردد. از این رو، هریک از ما که آرزومند داشتن خانواده و فرزندان سالم هستیم، باید به کمکردن فساد اجتماعی کمک کنیم. کسی که در سنین جوانی، به چارچوب های دین در ارتباط با جنس مخالف توجه نکرده و مرتکب برخی فسادها شده، نباید انتظار داشته باشد که پس از تشکیل خانواده، محیط سالمی برای فرزندانش داشته باشد. شیطان، جوانی امری عادی است با فریب کاری تمام به برخی جوانان چنین القا میکند که بی بند و باری دوره و پس از ازدواج میتوانی از این بی بند و باری دور شوی. وقتی این جوان از جوانی دور شد و تشکیل خانواده داد، جوانان دیگری می آیند که آنها نیز ممکن است همان روش او را تکرار کنند.

قرآن کریم از روش تأسف ار کسانی خبر میدهد که وقتی فریب شیطان را میخورند و به لباس بدن نما و فساد روی می آورند به توجیه کار خود بر می خیزند و می گویند دیگران هم چنین می کنند و خدا هم با این کارها مخالف نیست. قرآن کریم با تعجب می پرسد:

«آیا چیزی به خدا می بندید که اصلا بدان علم ندارید؟»

سپس با تأکید فراوان می فرماید:

ای پیامبر به مردم بگو: خداوند هر فساد و فحشایی را، چه پنهان و چه آشکار، حرام کرده و گناه شمرده است.

فصل دوم: نکات مهم دین و زندگی یازدهم ویژه رشته علوم انسانی تالیف ایران عرضه

۱- عزت نفس

یکی از مهم ترین قدم ها در مسیر کمال، تقویت عزت نفس است. عزت از صفاتی است که قرآن کریم بیش از ۹۵ بار خداوند را بدان توصیف کرده است. معصومین بزرگوار این صفت را از ارکان فضایل اخلاقی دانسته اند که اگر در وجود ما شکل بگیرد، مانع بسیاری از زشتی ها خواهد شد.

۲- عزت و ذلت

عزت به معنای «نفوذپذیری» و «تسلیم نبودن» است. وقتی می گویند خداوند عزیز است، معنایش این است که کسی نمی تواند در اراده او نفوذ نماید و او را تسلیم خود کند. واژه ذلت درست مقابل «عزت قرار دارد و به معنای نفوذ پذیری و مغلوب و تسلیم بودن است. بنابر تعاریف فوق، «انسان عزیز» کسی است که در برابر مستکبران و ظالمان و همچنین در مقابل هوی و هوس خویش می ایستد، مقاومت می کند و تسلیم نمی شود. او زیر بار عملی که روحش را آزرده کند و او را حقیر و کوچک سازد، نمی رود.

۳- راه های تقویت عزت

قرآن کریم و سیره معصومین راه های زیر را برای تقویت عزت نفس بیان می کنند:

(۱) شناخت ارزش خود و نفروختن خویش به بهای اندک

(۲) توجه به عظمت خداوند و تلاش برای بندگی او

۴- اسوه های عزت در برابر ستمگران

پیشوایان ما با تکیه بر بندگی خداوند و پیوند با او توانستند در سخت ترین شرایط، عزت مندانه زندگی کنند و هیچ گاه تن به ذلت و خواری ندهند.

۵- امام حسین می فرمایند:

«مرگ با عزت از زندگی با ذلت، برتر است.»

حضرت زینب، خواهر شجاع امام نیز پس از تحمل انبوه مصائب و سختی، که یکی از آنها میتواند انسان را درهم شکند، در پاسخ به جمله حقیرآمیز عبیدالله بن زیاد، حاکم کوفه که گفت:

دیدی خدا چه بر سر خاندان شما آورد؟ با قدرت فرمود: [در این واقعه] جز زیبایی ندیدم.

۶- انسان دارای دو دسته از تمایلات است:

اول: تمایلات عالی و برتر، مانند تمایل به دانایی، عدالت، شجاعت، حیا، ایثار و حسن خلق که مربوط به روح الهی و معنوی انسان هستند. ما با رسیدن به این تمایلات احساس موفقیت و کمال می کنیم و از آنها لذت می بریم.

دوم: تمایلات دانی، مانند تمایل به ثروت، شهرت، غذاهای لذیذ، زینورات و رفاه مادی، که مربوط به بعد حیوانی و دنیایی انسان است و وقتی به این تمایلات دست می یابیم، از آنها لذت می بریم و خوشحال می شویم. انسان ها به طور طبیعی به این قبیل امور میل دارند و علاقه نشان می دهند، زیرا اینها لازمه زندگی در دنیا هستند و بدون آنها یا نمی توان زندگی کرد یا زندگی سخت و مشکل می شود.

۷- چه موقع این تمایلات بد می شوند؟

آنگاه که انسان، این تمایلات را اصل و اساس زندگی قرار دهد و فقط در فکر رسیدن به آنها باشد و از تمایلات الهی خود غافل بماند. حد و مرز توجه به این تمایلات را خدا میداند و خداوند با احکام خود چگونگی بهره‌مندی از این تمایلات را مشخص کرده تا انسان بتواند در عین بهره‌مندی از آنها، به رشد و کمال واقعی خود برسد. از این رو هر انسانی در درون خود با دو دعوت روبه روست: دعوت عقل و وجدان یا همان نفس لوامه که از ما می خواهد در حد نیاز به تمایلات فروتر پاسخ دهیم و فرصتی فراهم کنیم که تمایلات معنوی و الهی در ما پرورش پیدا کند و آن زیبایی ها وجود مان را فرا بگیرند.

۸- هوی و هوس یا همان «نفس اماره» است که از ما می خواهد فقط به تمایلات بعد حیوانی سرگرم و مشغول باشیم و از تمایلات عالی و برتر غافل بمانیم.

۹- خانواده مقدس ترین بنای اجتماعی نزد خداست. این بنا با پیوند زن و مرد به وجود می‌آید و با آمدن فرزندان کامل میشود. با تولد فرزندان، زن و مرد، مادر و پدر بودن را تجربه میکنند و فرزندان را در دامن خود می پروراندند.

۱۰- قرآن کریم، در تقابل با فرهنگ رایج آن زمان، به زن شخصیت انسانی بخشید و معیار کرامت را نه براساس جنسیت بلکه براساس فضایل انسانی و ایمان و تقوا قرار داد.

۱۱- بر اساس آموزه های کتاب مقدس (تورات و انجیل) مسیحیان معتقدند زن منبع هر شر و فساد در عالم است. زن ستیزی و شر انگاری وی، در تمام دورانی که کلیسا بر غرب سیطره داشت از طرف کشیشان کلیسا ترویج می شد. قرآن کریم در همان عصری که غرب بدترین خشونت ها و تحقیرها را علیه زن روا میداشت، جاهلی نازل شد.

۱۲- تفاوت های میان زن و مرد به جهت وظایف هریک از زن و مختلفی است که خالق حکیم برعهده شوهر نهاده است تا هرکدام از آنها بتوانند در زندگی مشترک و خانوادگی نقش های خاصی را بر عهده بگیرند و یک خانواده متعادل را پدید آورند.

۱۳- مهمترین عامل پایداری خانواده، درک درست از زوجیت و مکمل هم بودن زن و مرد و عمل به این درک است.

۱۴- امروزه، جامعه ما از سه دسته خانواده تشکیل شده است:

(۱) خانواده های سنتی:

این خانواده ها که باورها و اعتقادات دینی خود را با برخی از آداب و سنت های محلی ترکیب کرده اند، از قدیم الایام وجود داشته اند. این خانواده ها، امتیازات و معایبی دارند.

(۲) خانواده های مخالف سنت:

این قبیل خانواده ها که بیشتر تحت تأثیر فرهنگ غرب، با هر سنتی خلاف هستند، می کوشند با الگو گرفتن از آن فرهنگ، از سنت ها فاصله بگیرند زندگی مدرن و جدیدی بسازند.

(۳) خانواده متعادل و نمونه اسلامی:

اینگونه خانواده ها میکوشند راهمپایه های اسلام را از سنت های غلط جامعه جدا کنند و با کنار گذاشتن سنت های غلط، زندگی خانوادگی را با معیارهای اسلامی بنا کنند و در انتخاب همسر یا تربیت فرزند از آن معیارها کمک بگیرند و تا آنجا از سنت های جامعه استفاده کنند که مخالف اسلام نباشد.

۱۵- مشکلات خانواده های مخالف سنت:

اول: نمی توانند بین سنت های غلط جامعه خود با آموزه های اسلام تفکیک قائل شوند و به همین جهت، هر سنت قدیم را فقط به این دلیل که قدیمی است، رد میکنند و انکار می نمایند. در نتیجه اندک اندک از اسلام فاصله میگیرند و به گناه آلوده میشوند.

دوم: از سطح ظاهری زندگی خانوادگی در غرب که از طریق رسانه ها یا مسافرت ها بیان میشود، اطلاع دارند و از لایه های عمیق و بنیانی آن مانند متلاشی شدن خانواده، فردگرایی و سردی روابط اعضای خانواده با یکدیگر، عادت به طلاق، سپردن اطفال به نهادهای عمومی، گسترش روابط نامشروع، افزایش خانواده تک سرپرست، کمتر مطلع می شوند.

۱۶- آمادگی برای ازدواج

انسان با رسیدن به سن بلوغ برای سعادت خود و خانواده ای که تشکیل خواهد داد، برنامه ریزی نماید. مهم ترین این برنامه ها در مورد تشکیل خانواده عبارت اند از:

۱- تقویت عفاف و پاکدامنی در خود از آغاز بلوغ

۲- مشخص کردن هدف های خود از تشکیل خانواده

۳- شناخت معیار ها و شاخص های همسر مناسب

۴- شناخت ویژگی های روحی زن و مرد

۱۷- تقویت عفاف و پاکدامنی

دوره بلوغ تا ازدواج یکی از حساس ترین و ارزشمندترین دوره های عمر انسان است و دوره گذر از کودکی و ورود به بزرگسالی و پذیرش مسئولیت های زندگی است. اگر نوجوان و جوان، این دوره را با پاکی و پاکدامنی بگذرانند و در حالی به زندگی مشترک با همسرش وارد شود که آلوده به گناه و فحشا نشده باشد، راه رسیدن به بهشت را برای خود و فرزندان بسیار هموار کرده است.

۱۸- اقدامات زیر برای حفظ عفاف و پاکدامنی بسیار مؤثر است:

۱- کنترل نگاه و استقامت در برابر تحریک دیگران برای دیدن یک فیلم یا یک پیام نامناسب،

یا حضور در مجالس گناه آلود و توانایی «نه» گفتن به آنها؛

۲- انتخاب دوست دیندار و نمازخوان و معاشرت نکردن با افراد بی بند و بار؛

۳- استفاده از لباس مناسب با شأن و منزلت انسان مسلمان؛

۴- انجام درست و به موقع نماز، به خصوص به صورت جماعت و با حضور در مسجد و شرکت در جلسات مذهبی، مانند مجالس دعای کمیل و دعای ندبه، اعیاد و عزاداری ها و سخنرانی های پر محتوا؛

- ۵ - مشغول بودن به کارهای ضروری، مانند درس خواندن، انجام کارهای منزل، پرداختن به کارهای فنی و هنری، همکاری در بسیج، کانونهای فرهنگی و بنیادهای خیریه؛
- ۶- رعایت جنبه های حلال و حرام در ارتباط با جنس مخالف سیره و رفتار پیامبر اکرم ، حضرت فاطمه و امامان
- ۷- خواندن داستانهایی درباره بزرگوار و کسانی که پیرو آنان بوده اند، همچون شهدای دفاع مقدس؛
- ۸ - توجه به نصیحت ها و خیرخواهی های پدر و مادر
- ۱۹- اهداف ازدواج:

اول. پاسخ به نیاز جنسی:

ابتدایی ترین زمینه ازدواج، نیاز جنسی مرد و زن به یکدیگر است. این نیاز که احساس آن از دوران بلوغ آغاز می شود، اولین کشش و جاذبه را میان زن و مرد ایجاد می کند و آنان را به سوی تشکیل خانواده می کشاند.

دوم. انس با همسر:

هریک از زن و مرد، علاوه بر نیاز جنسی، نیازمند به زندگی با دیگری هستند و این نیاز نیز پس از بلوغ آشکار می شود. این نیاز به گونه ای است که اگر فردی از راه های نامشروع نیاز جنسی خود را برطرف کند اما بدون همسر زندگی کند، باز هم یک بی قراری و ناآرامی او را آزار می دهد که فقط با بودن در کنار همسر برطرف می شود. سوم. رشد و پرورش فرزندان:

خانواده بستر رشد و بالندگی فرزندان است و هیچ نهادی نمی تواند جایگزین آن شود. فرزند، ثمره پیوند زن و مرد و تحکیم بخش وحدت روحی آنها است.

چهارم. رشد اخلاقی و معنوی:

پسر و دختر جوان با تشکیل خانواده، از همان ابتدا زمینه های فساد را از خود دور می کنند، مسئولیت پذیری را تجربه می نمایند، مهر و عشق به همسر و فرزندان را در خود پرورش می دهند، با گذشت و مدارا و تحمل سختی ها و ناگواری های زندگی، به درجات معنوی بالاتری نایل می شوند.

۲۰- برای اینکه یک ازدواج موفق داشته باشید که هم به جدایی منجر نشود و هم آرامش و خوشبختی را به دنبال داشته باشد، لازم است که در تشکیل خانواده به هر چهار هدف توجه کنید و هدف چهارم را در مرتبه برتر قرار دهید.

۲۱- «بهترین روش تربیت فرزند، این است که در آغوش مادر و با استفاده از مهر و محبت او پرورش پیدا کند. یکی از وظایف مهم زن، عبارت از این است که فرزند را با عواطف، با تربیت صحیح، با دل دادن و رعایت دقت، آنچنان بار بیاورد که این موجود انسانی، چه دختر چه پسر، وقتی که بزرگ شد، از لحاظ روحی، یک انسان سالم، بدون عقده، بدون گرفتاری، بدون احساس ذلت و بدون بدبختی ها و فلاکت ها و بلایایی که امروز نسل های جوان و نوجوان غربی در اروپا و آمریکا به آن گرفتارند، بار آمده باشد. زنانی که فرزند خود را از چنین موهبت الهی محروم میکنند، اشتباه میکنند؛ هم به ضرر فرزندشان، هم به ضرر خودشان و هم به ضرر جامعه اقدام کرده اند. اسلام ، این را اجازه نمی دهد».

۲۲- همانطور که پایداری بنیاد خانواده، سبب کم شدن فساد در جامعه می شود، ازدیاد فساد سالم نیز سبب سست شدن این بنیان می گردد. از این رو، هریک از ما که آرزومند داشتن خانواده و فرزندان سالم هستیم، باید به کم کردن فساد اجتماعی کمک کنیم. کسی که در سنین جوانی، به چارچوب های دین در ارتباط با جنس مخالف توجه نکرده و مرتکب برخی فسادها شده، نباید انتظار داشته باشد که پس از تشکیل خانواده، محیط سالمی برای فرزندانش داشته باشد.

۲۳- خدا می گوید: ای پیامبر به مردم بگو: خداوند هر فساد و فحشایی را، چه پنهان و چه آشکار، حرام کرده و گناه شمرده است.

ایران عرضه

مرجع نمونه سوالات

آزمون های استخدامی

به همراه پاسخنامه تشریحی

خدمات ایران عرضه:

- ارائه اصل سوالات آزمون های استخدامی
- پاسخنامه های تشریحی سوالات
- جزوات و درسنامه های آموزشی

برای دانلود رایگان جدیدترین سوالات کنکور دانشگاه فرهنگیان ، اینجا بزنید

همچنین جهت مشاهده آخرین اخبار کنکور فرهنگیان، اینجا بزنید

« انتشار یا استفاده غیر تجاری از این فایل، بدون حذف لوگوی ایران عرضه، مجاز می باشد »

